

پيشينه منزلت " نوروز " درميان ملل آريائي

(۲)

منزلت نوروز نزد زرتشتيان:

در اوستا، کتاب مقدس زرتشتيان به نوروز و آئين هاي نوروزي اشاره اي نشده است، اما زرتشتيان در حفظ و تداوم برگزاري سنت نوروز نقش مهمي داشته اند، از اين رو مي توان گفت که نوروز قدمتي پيش از دين زرتشت دارد. دکتر کتابون مزداپور مي گويد: "به نظرم قديمي ترين جائي که اسم از نوروز آمده کتاب نيرنگستان است که البته هم پهلوئ است و مقداري هم اوستا دارد، اما در خود اوستا اسم نوروز نيامده ولي فروهر ها که با نوروز ارتباط دارند، يک پشت فروردين پشت فروهر هاست." (۱۳) با آنکه زرتشتيان در طول تاريخ بيشتريين کوششها را براي نگهداري جشن نوروز (بويژه آن بخش هايي که به آيين هاي ديني آنان تعلق دارد) کرده اند، مگر جشن نوروز تاريخي قديمي تر از عصر زرتشت دارد. براي زرتشتيان نوروز يکي از مهمترين آيين هاي ديني و ملي است.

يکي از قديمي ترين مظاهر اين جشن نزد زرتشتيان، روشن کردن آتش در سپيده دم نوروز است که، امروزه از سوي زرتشتيان ايران در روستاي قاسم آباد بزد برگزار ميشود. هر خانواده و در پيشاپيش آنان زنان، سبزه، ظرفي پر از آب، يک سيني ميوه که "ودرين" ناميده ميشود، گلداني از مورد (mourd) (گياه خوشبو شبويه پودنه) و شمشاد، مجمر آتش و يک چراغ روغني به بالاي بام مي برند و در کنار هيضم هاي از قبل آماده شده مي گذارند. حدود ساعت پنج صبح سپيدي کلاه مردان زرتشتي در جرعه هاي آتش نمايان مي شود. همزمان با بر افروختن آتش آهنگهاي نوروزي که از بلند گو پخش مي شوند.



آتش نوروزي بر بام خانه هاي زرتشتيان ايران

کيخسرو ماوندادي، يکي از ساکنين محله قاسم آباد دليل آتش افروزي بر بام ها را توضيح مي دهد که در گذشته اجرائ اين مراسم با موسيقي زنده همراه بوده است: "آتشي که در سپيده دم اورمزد برابر با اول فروردين بر روي بام افروخته مي شود يک سنت کهن ايراني است که در روستا هاي زرتشتي نشين باقي مانده است. زردشتيان بر اين باوراند که ده روز مانده به عيد نوروز که پنجه کوچک آغاز مي شود، با آتش افروزي روان مردگان و درگذشتگان را به خانه هاي خود پذيرا مي شوند. در پايان سال هم با آتش يعني با نور و گرما آنها را بدرقه مي کنند و آب پشت سرشان مي ريزند."

بدرقه نياکان با نيائيش در برابر آتش مقدس:

زرتشتيان معتقدند که روان يا به گفته آنان فروهر نياکان و مردگان از ده روز پيش از نوروز به ديدار خانه و کاشانه پيشين خود مي آيند و در صبح سال نو به محل اوليه خود بازمي گردند. آنها باور دارند عطر ميوه هايي که پاره مي شوند، و بوي خوش اسپند و کندر که از آتش متصاعد مي شود، همراه با زمزمه اوستا، روان نياکان را که در حال ترک خانه خود هستند شاد مي کند. وقتي سپيده صبح مي دمد، صدای بلندگو خاموش مي شود و شعله هاي آتش فرو مي نشيند، بخش آئيني-ديني مراسم نوروز زرتشتيان پايان مي يابد و هر خانواده باقيمانده آتش خود را به آتشکده محله که به آن درب مهر مي گویند، مي برد.

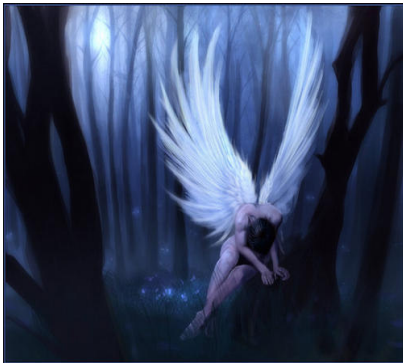
کيخسرو ماوندادي از آدابی که بامهمان نوازي وديد و بازديد در روزهاي نوروز همراه است مي گويد: "بعد از اينکه سال نو تحويل شد و روز اورمزد و فروردين ماه آغاز شد رسم بر اين هست که در بالاي سر درگاه هر خانه اي که در آن زندگي وجود دارد يک سبزه يعني مورد، سرو يا شمشاد را نصب مي کنند. در پاشنه در خانه آويشن (پودنه صحرائي) و سنجد مي ريزند که نشانه عشق و دوستي هست و بدون اينکه کسی با شما سخني بگويد با زبان بي زباني به شما خوش آمد گفته مي شود."

در روزهای پنجه و نوروز، زرتشتیان در جلوی خانه های خود گل سفید می پاشند که به معنی باز بودن در خانه به روی مهمان است. بوی خوش و تمیز کردن خانه از دیگر سنت هایی است که برای استقبال از اجداد و نیاکان در ایام پنجه به آن توجه شده است. انطور که رستم کاووسیان می گوید، خانه و کاشانه کثیف باعث آزدگی روان فروهر مردگان و درگذشتگان می شود: "ما زرتشتیان به اورمزد و فروردین ماه که جشن تازه شدن طبیعت است بسیار اهمیت می دهیم و آن را بسیار نیکو می شماریم. در پیشاپیش آن خانه تکانی هائی انجام می دهیم و معتقدیم تمام زندگی ما باید پاک باشد. در شب عید حتما خانه تکانی باید انجام شود و اگر کینه و عداوتی داریم باید حل کنیم." در آخرین روز پنجه بزرگ مراسم دینی پیش از نوروز به پایان می رسد. فرارسیدن بهار و آغاز سال نو برای زرتشتیان همانند همه ایرانیان، جشن رستاخیز طبیعت و لحظه فرا رسیدن شادی است. پس از تحویل سال، زن خانه آئینه و گلاب پاش را بر می دارد و به اعضای خانواده تبریک و شادباش می گوید.

خوان نوروزی و مراسم نوعید:

خوان نوروزی زرتشتیان در طول تاریخ تغییر کرده است. گذاشتن اوستا و تصویر زرتشت بر سفره نوروزی اهالی باغ خندان، از تفاوت های عمده آن با سفره هفت سین دیگر اقوام ایرانی است. پرویز ورجاوند این سفره را در ارتباط با خوان مقدسی می داند که در ایران قدیم "میزد" نامیده می شده و کلمه میز به فارسی امروز از آن گرفته شده است. برای او تقدس نوروز در عدد هفت و لحظه تغییر سال است.

هفت سین در واقع در مرحله اول میزی هست که در زمان خاص گسترده می شود، و فامیل دور آن جمع می شوند تا برکت لحظه مقدس و گردش سال را دریافت کنند. هفت علامت از هفت امشاسپند بر سفره گذاشته می شود که این علامت ها در طول زمان تغییر کرده است. زمانی هفت چین یعنی هفت میوه ای که می چیدند بوده است و یا هفت شین یعنی شیر، شکر، شایه (سبزه ای را که سبزه می کنند در فارسی به آن شایه می گویند) و شمشاد و البته شرابی را که بر سر خوان نوروزی هست. این شراب ها را اکثراً در جام رودین می خورند. جام رودین جامی است که اسم مرده ای بر آن حک شده است و وقتی می خورند یادی از آن شخص مرده می کنند. (۱۴)



" این هفت امشاسپندیا هفت ایزد در دیانت زرتشتی عبارتند از: بهمن، اردی بهشت، شهریور، سپندارمذ، خرداد، امرداد. که در رأس این شش ایزد، سروش یا خود اهورامزدا قرار دارد. اینها صفات اهورامزدا هستند که تشخیص یافته اند. چون هفت سپینته یا هفت مقدس در دیانت زرتشتی اهمیت ویژه دارند، این اندیشه به وجود آمده که هفت سین به موجب شمار این مقدسان و صفت شان در خوان نوروزی قرار میگیرد. " (۱۵)

اولین دیدار نوروزی از خانواده ای شروع می شود که در سال قبل مرده ای داشته است. این مراسم که نوعید نامیده می شود، در سکوت برگزار می گردد. بر روی سفره نوروزی که مهمانان گرداگرد آن می نشینند، عکس مرده معمولاً در کنار سبزه نوروزی قرار دارد. پرویز ورجاوند پژوهشگر فرهنگ زرتشتیان می گوید: مراسم نوعید حضور نمادین شخص درگذشته در مراسم نوروزی است: "بازدید از خانه کسی که مرده بی دارد برای سوگواری نیست. همانطور که در تصوف ایرانی مسند شیخ یا پیر را حتی اگر خودش حضور ندارد انداخته می شود و همیشه احساس حضور آن پیر در جمع وجود دارد، در مراسم نوروزی هم وقتی یک نفر از خانواده ای درگذشت، به دیدن او می رویم یعنی او روحاً حضور دارد و چون درگذشته و بازگشته، مهمان عزیز ما است. ابتدا به خانه او و برای دیدن او می رویم؛ نه بخاطر سوگواری و تسلی بازماندگان، بلکه حضور او را همان ادامه زندگی قبلی او می دانیم." (در افغانستان نیز در ایام اعیاد مذهبی اول به دیدار کسانی میروند که عزیزی را تازه از دست داده باشد.)

پس از برگزاری مراسم نوعید، زرتشتیان با شادی و پایکوبی و نواختن ساز ضربی دایره مانند مخصوص خود که آنرا عربانه می نامند، به دید و بازدید خویشان و آشنایان می روند. میزبان که پیشاپیش میز نوروزی را با شیرینی های مخصوص و شربت و چای برای پذیرایی آماده کرده است، در ابتدا برای مهمانان خود آئینه و گلاب می گیرد. سپس پذیرایی با خوردن نقل آغاز می شود و همزمان ساز و آواز و پایکوبی ادامه می یابد.

یکی از شیرینی های مخصوصی که زرتشتیان حتماً بر خوان نوروزی خود می گذارند کماج است. کماج شیرینی کیک مانندی است که به شیوه سنتی تهیه می شود. ماهدخت فروهر آن را از مهمترین شیرینی های لازم برای این روزها می داند: "کماج نوروزی از آرد گندم، قدری گلاب، هیل و دارچین، تخم مرغ و شکر درست می شود. اینها را با هم قاطی می

کنیم، بعد روغن را در کماجدان داغ می کنیم و خمیر را در آن می ریزیم و مغز پسته و بادام و گردو و کنجد روی آن می ریزیم. این کماج شیرین و کماج نوروژی، یک رسم قدیمی است. نان هم می پزیم، اما در هر خانه ای اگر نان هم نپزند، پخت کماج برایشان واجب است. دم سال تحویل کماج باید باشد."

گهبار خوانی موبدان در نوروز بزرگ:

اما روز ششم فروردین یکی از مهمترین روزهای مذهبی زرتشتیان و روز تولد زرتشت و یا بقولی نوروز بزرگ است. زرتشتیان این روز را با گرد همایی های گسترده و برنامه های سخنرانی و هنری در هر منطقه جشن می گیرند. در آثار الباقیه میخوانیم که: «روز ششم فروردین نوروز بزرگ است و نزد ایرانیان جشن بزرگ میباشد. گویند خداوند در این روز مشتری را بیافرید و فرخنده ترین ساعتی آنروز ساعت مشتری است. زرتشتیان میگویند "زرتشت در این روز توفیق یافت که با خداوند مناجات کند و کیخسرو در این روز بر آسمان عروج کرد و در این روز برای ساکنان کره زمین سعادت را قسمت میکنند. و از اینجا است که ایرانیان این روز را روز امید نام داده اند.» (۱۶)

در این روز بسیاری از زرتشتیانی که سالها از زادگاه خود دور بوده اند به شهر و دیار خود باز میگردند و در این جشن شرکت می کنند. جوانان با اجرای شعر و سرود و نمایشنامه های مذهبی - سنتی در تهیه و تدارک این جشن نقش مهمی ایفا می کنند. نوروز خوانی تنها سنتی نیست که در بین زرتشتیان و دیگر ایرانی ها مشترک است. بسیاری از آداب نوروژی که در بین زرتشتیان اینجا یا آنجا وجود دارد به شکلی تغییر یافته در حوزه جغرافیایی نوروژ که از شرق عراق تا غرب هند و از خلیج فارس تا قزاقستان و گرجستان گسترده است، یافت می شود.

کوروش نیکنام پژوهشگر آداب و رسوم زرتشتیان باور به بازگشت فروهر نیاکان در روزهای نوروز را با رفتن به گورستان در این ایام مقایسه می کند. سنتی که در تاجیکستان و آذربایجان تا امروز از آداب جدا نشدنی نوروژی هستند: "به مناسبت های مختلف جامعه اسلامی ایرانی به مزار مردگان می روند و در آنجا شمع روشن می کنند. روشنائی ایجاد کردن یعنی درخواست از روان فروهر مردگان که به زندگی آنها سری بزند. ما آمدن نوروز را با آتش روشن کردن به استقبال فروهر مردگان می رویم و بعد روز اول نوروز، باز با آتش روشن کردن به بدرقه آنها می نشینیم. همین آتش روشن کردن را مسلمان ایرانی امروزه برای مزار مردگان شان انجام می دهند."

نوروز به دلیل برجسته بودنش به عنوان یک جشن باوری است که ایرانیان نسبت به دنیا مینوی، یعنی جهان پس از مرگ داشتند. چون این جشن، جشن آفرینش انسان هم هست، آمدن فروهر و روان مردگان به سوی زمین هم هست. و ایرانیان خانه تکانی می کنند و یک زندگی نوی را به خود می گیرند به دلیل این که در باور سنتی شان این ها از روان فروهر مردگان پاسداری می کنند و میزبان مهمان های ارزشمندی هستند. به همین دلیل است که این جشن تا به امروز مانده و هر قوم و ملتی که به ایران آمده این جشن را پذیرفته و در واقع پاس می دارد. اما ارتباط مستقیم نوروز با طبیعت، تغییرات جوی و ستاره شناسی در این زمان، رهایی از شب های سرد و بلند زمستان، برابری شب و روز و شروع فصل کشاورزی دلایل دیگری هستند که دوام نوروز در طول تاریخ را ممکن ساخته اند.

سیزده بدر:

به نظر می رسد که جشن سیزدهمین روز فروردین و یا سیزده بدر ارتباطی با باورهای آیینی زرتشتیان ندارد. ولی امروز زرتشتیان این روز را در طبیعت به سر می برند. ماهدخت فروهر می گوید که زرتشتیان گاهی نیز در این روز آشی به نام آش پس پائی نوروز می پزند.

کامران فروهر معتقد است که سیزده نوروز بین زرتشتیان نه تنها نحس نیست بلکه آنرا روزی عزیز و مبارک می دانند: "روز سیزده بدر را روز، «تیشته ریزد» یا روز تیر می گویند. این روز فرشته باران است و برای ما خیلی عزیز است. این روز را کار نمی کنیم و به باغ و صحرا می رویم. ما سیزده را نحس نمی دانیم، آن را عزیز می دانیم."

اما دکتر کتا یون مزدا پور می گوید که اعتقاد به نحسیت و ناخجسته بودن سیزده نوروز در بین زرتشتیان نیز وجود داشته و ریشه تاریخی دارد. او اضافه می کند: "سابقه سیزده بدر را تا بابل می توانیم دنبال کنیم که دوازده روز را جشن می گرفتند به نشان دوازده ماه سال و روز سیزدهم در حقیقت پایان جشن بوده که روز آشفتگی و به هم ریختن همه چیز هست و جشن تمام می شود. عدد سیزده نحس است و کلاً همان است که در جامعه اکثریت ایران هم وجود دارد." (۱۷)

بدین ترتیب جشن نوروز با وجود تغییرات اعتقادی و اجتماعی در منطقه، همچنان در خاطره فرهنگی اقوام آریائی باقی مانده است. امروز شاید در تمام کشورهای که در آنها نوروز برگزار می شود هیچ عنصر فرهنگی دیگری تا به این اندازه قادر به معرفی هویت آریائی یا ایرانی آنان نباشد.

باور های زرتشتی در آداب نوروزی بومیان سیستان

رسم اوشیدر:

بنابر روایات مذهبی زرتشتیان، عالم از بدو خلقت روح تا پایان به دوازده هزاره تقسیم میشود که دهمین هزاره، هزاره اوشیدر و سپس هزاره اوشیدر ماه و در آخر هزاره سوشیانت است که از پرتو این آخری جهان راستی و جاودانگی برپا خواهد شد. اینان نطفه ها یا نبیره های زرتشت اند که بوسیله ۹۹۹۹ فروهرهای جوان در آب های هامون نگهداری میشوند و هر یک به فاصله هزار سال از همدیگر از مادر پانزده ساله ای که در آبهای هامون آب تنی میکند، ظهور خواهند کرد و جهان را از کژی ویدی و نادرستی و زشتی و دروغ پاک خواهند نمود.

یکی دیگر از باورهای زرتشتی در میان بومیان سیستان که در اطراف هامون هیرمند سکنی دارند اینست که: در شب نوروز (شبی که فردای آن نوروز است) دختر جوان و زیبای پانزده ساله را لباس نومی پوشانند و برشته آذین شده سوار میکنند و برکنار آب هیرمند ویا هامون میبرند و در آنجا گروه مردان و زنان از هم جدا میشوند. مردان دور از اجتماع زنان و دختران به نواختن دهل و شادی و سرور می پردازند و پویای کوبی میکنند. آنطرف زنان دختر جوان باکره را که "اوشیدر" نام نهاده اند، برهنه و لخت کرده داخل آب میکنند و بعد با دهل تا نیمه های شب به نشاط می پردازند. نزدیک سپیده داغ دختر را از آب بیرون می آورند و لباس پوشیده و باز بر همان شتر آذین شده سوار مینمایند و به خانه برمیگردند. بدینسان گویا سیستانیان هنوز هم باور دارند که ممکن است نطفه زرتشت از آب های هامون در دختر ۱۵ ساله باکره نفوذ کند و سرانجام افتخار مادر شدن یکی از موعودهای زردشتی را کمائی کنند. این رسم تاچهل سال قبل که هامون های هلمند و هامون پوزک و هامون سابوری پرآب و جای تعریف احشام مردم بومی بود، و من محصل پوهنتون کابل بودم، اجرا میشد (۱۸) ولی نمیدانم امروز که تغییرات مهمی در وضع زندگی مردم بومی سیستان رونما شده این رسم اجرا میگردد یا خیر؟

رسم گندم بریان:

یکی دیگر از رسوم دیرینه مردم سیستان بخصوص آنهای که در اطراف کوه خواجه در نزدیکی هامون زندگی دارند، اینست که در روز نوروز، زنان و مردان برای شرکت در جشن نوروز برفراز این کوه جمع میشوند و دسته های گندم سبز را آتش زده، بر پای مزار " پیرگندم بریان" نثار میکنند. برخی عوض دسته های گندم سبز، مقداری گندم را بریان نموده و به زوار آنجا نذر میدهند و برای طغیان رودخانه هیرمند و حاصلخیزی زمین و برکت خرمن شان دعا مینمایند. برفراز این کوه آتشیگاهی است متعلق به عهد قبل از میلاد و همچنان معبد ربه النوع آب یعنی "اناهیتا" که در دین زرتشتی مقام ارجمندی داشته است وجود دارد.

بدینگونه میتوان حدس زد که این سنت بومیان سیستان متعلق به آئین زرتشتی بوده که تا هنوز در میان اهل سیستان بجا آورده میشود و قبلاً این مراسم بر بالای همین کوه در پای معبد "اناهیتا" بجای آورده میشد ولی اکنون آنرا در پای مزار "پیرگندم بریان" که معلوم نیست چه شخصیتی است، اجرا می نمایند. (۱۹)

باقی دارد